

آزادگی و سببیت	صفحه ۴۱	آرایی	۹۷
محمّد بن صالحی (پژشکی ۹۷)	محمّد قاسمی (پژشکی ۹۷)	دعوت می‌کنیم تا باران آسمان	۹۷
امیر فرزند عباسی (پژشکی ۹۷)	ویرا ساسی	خود در هرچه غنی‌تر کردن	۹۷
مصدق علیی (پژشکی ۹۷)	محمّد صادق میرجلیلی (پژشکی ۹۷)	محتوای نشریه مارا یاری دهند.	۹۷
علی قاسمی (پژشکی ۹۷)	طراح لوگو نشریه:		
محمّد قاسمی (پژشکی ۹۷)	علی قاسمی (پژشکی ۹۷)	***	
علی مرزبان (پژشکی ۹۷)	کارگران آیینی نشریه:	آرآ و نظر	۹۷
محمّد بن ملک رئیس (پژشکی ۹۷)	سید محمد عود علی	نظرات نویسدگان	۹۷
محمّد صادق میرجلیلی (پژشکی ۹۷)	دکتر مک آنتیک شریف ۴۹	نظر نشریه	۹۷

مہلے قلم

نیمه اول، آذر | گاهنامه نسخه

محتوی و در نتیجه سپری کردن اوقات فراغت و استراحتی بین کارهای خسته کننده روزانه است و مثلاً چه فرقی دارد که محتوی، آدم را روی بارسولونا متعصب کند یا رئال مادرید! اما آیا شبکه های مجازی فقط برای تفریح استفاده می شوند؟!

دوم: تفکر شما؟!

نظر قبلی حالتی بود خوشبینانه و فرض بر این بود که شبکه اجتماعی فقط برای موفقیت خودش و کسب رضایت کاربران و اینکه در رقابت با رقبای دیگر پیش بیافتد تلاش می کند و اگرچه اثر بدی بر روی کاربر می گذارد ولی این اثر مقصود اصلی سازنده نیست و اقتضای شخصی سازی تجربه است. اما حالت دومی هم وجود دارد که در ادامه به بررسی آن می پردازیم. اساس کار در آغاز مثل حالت اول است یعنی شما ابتدا به دلیل برخورد دائم با موضوعات مورد علاقه خود به نرم افزار وابسته تر می شوید.

سپس زمانی که شما به دلیل این تجربه

شخصی سازی شده به نرم افزار وابسته شده اید بستر برای ارائه مطالب مطلوب سازندگان (در بهترین حالت مطالب تبلیغاتی مثلاً تبلیغ یک نوع کت و شلوار) به صورت یکی در بین چند محتوی مطلوب فراهم می شود. به این روند شرطی سازی کلاسیک اطلاق می شود. یعنی زمانی که شما در حال لذت بردن از مطالب دلخواه و شخصی سازی شده خود هستید همواره یک تبلیغ خاص یا یک تفکر خاص به شما نشان داده می شود در نتیجه رفته رفته آن مطلب غیر دلخواه (متغیر غیر شرطی) به دلیل همراهی همیشگی با مطالب دلخواه، مورد علاقه شما واقع می شود (تبدیل به متغیر شرطی می شود)! و سپس ادامه این چرخه همانطور که در نظر اول گفته شد، شما را روی این عقیده جدید متعصب می کند!

خوب، نتیجه؟!

باید توجه داشت که فضای مجازی مانند

شمشیری دولبه است! بی شک هیچ کس نمی تواند مزایای آن را انکار کند. اما باید توجه داشت که مضرات آن هم انکارناپذیر است. باید توجه کنید که شرکت های سازنده این نرم افزارها قبل از هر چیزی برای درآمدزایی تاسیس شده اند، در نتیجه باید باور کنید که سازندگان بیش از هر چیز به این علاقه دارند که کاربران نتوانند از گوشی خود جدا شوند!!

پس در استفاده از این شبکه ها بیش از پیش مراقب باشید و با برنامه ریزی، آگاهی و استفاده هدفمند سعی کنید این مضرات را تا جای ممکن کاهش دهید.

امیرفرهاد صباغ

پژوهشی

زمان تقریبی مطالعه: ۳ دقیقه



سلام! (فرازی از ترمیموم ۹۸!)

سلام بچه ها؛ ورودتون رو به دانشگاه ایران تبریک میگم! بچه ها دانشگاه بهترین جا برای وقت تلف کردن! ولی همونطور که بهترین جای زندگی برای وقت تلف کردن، بهترین جا واسه زندگی کردن و تجربه کردن و شناختن و یاد گرفتن! بچه ها من همیشه به خودم میگم در قبال ریال به ریالی که کشورم داره از دارایی هاش برام خرج میکنه، از حق یه سری آدم دیگه داره برام خرج میکنه! در نتیجه ما به تک تک اون آدمها بدکاریم و وقت تلف کردن ما، یعنی بیشتر شدن بدکاری مون! مردم این کشور با وجود همدی سختی هایی که الان دارن میکشن، امیدشون من و تو و امثال ماست. این ماییم که باید روی دردهاشون مرهم بذاریم. یه جوری باسواد باش، یه جوری مهارت داشته باش، یه جوری اثرگذار باش، یه جوری کار کن و جوری زندگی کن، که هیچ وقت شرمندگی خودت و مردمت و کشورت نباشی... بیرون از این دانشگاه، چشم امید خلیا به ماست... پیشنهاد میکنم یه بار دیگه با دقت بخونی چی نوشتم!

من اینجا ریشه در خاکم.
من اینجا عاشق این خاک اگر آلوده یا پاکم.
من اینجا تا نفس باقیست می مانم.
من از اینجا چه می خواهم، نمیدانم!
امید روشنایی گر چه در این تیرگی ها نیست،
من اینجا باز در این دشت خشک تشنه میرانم.
من اینجا روزی آخر از دل این خاک، با دست تپ
گل بر می افشانم.
یا حق...

زمان تقریبی مطالعه: ۹ دقیقه



کرونا توقیف یا توفیق اجباری؟!



شیفته‌ی دانش این مَرزِ پُرگهر، که هیچ سببی جز یافتن علم ناب در مسیر قرب ما را به دانشگاه نکشاده است^۱، پدیده‌ای را همچون این ویروس سراغ ندارم که در منظر یک دانشجو، از هر جهت بدان نظر اندازیم، جز فرصتِ خالص، نتوان نامی دیگر بر آن نهاده و آن را مبرا از ذره‌ای تهدید دانست. البته تاکید این مطلب ضروری است که منظور از دانشجو، دانشجو به ما هُو دانشجوست؛ طبیعی است که برای سایر اقشار جامعه که ممکن است در حال تحصیل نیز باشند، کرونا مانند سایر حوادث هم وجه فرصت‌گونه دارد و هم تهدیدگونه. اما اگر دانشجویی را دیدید که پس از رفع این بلا^۲ از جامعه‌ی ما، از این ویروس به عنوان تهدید یاد کرد، می‌توانید لقب رفیع کذاب را به انتهای نام مبارک او اضافه نمایید.

دانشجویان این آب و خاک در یک تقسیم بندی به دو دسته تبدیل می‌شوند. دسته‌ای اول کسانی هستند که می‌دانند در زندگی به دنبال چه هستند، و هدف و برنامه‌ریزی مشخص دارند، به گونه‌ای که دانشگاه و ما هُو فیها^۳، بخش کوچکی از زندگی‌اینان را شامل می‌شود. دسته‌ی دوم هم «ما» هستیم. گمان می‌کنم توضیح مربوط به دسته‌ی دوم به قدر کافی مبسوط بوده و توضیح بیشتر در مورد این دسته لازم نباشد؛ به دلیل اینکه دانشجویان متعلق به دسته‌ی اول علاوه بر کمیاب و در

حتی اگر بخواهیم از دید ترمودینامیک به این عبارت نگاه کنیم، درستش می‌شود: «فرصت را به تهدید تبدیل کردن». یعنی در حالت طبیعی اگر دست روی دست بگذاریم، به طور خود به خود فرصت‌های پیش آمده به تهدید تبدیل می‌شوند (و نه برعکس). و لذا تبدیل تهدید به فرصت، خود به خود صورت نخواهد گرفت و نیازمند صرف کار و انرژی خواهد بود.

بگذریم از اینکه این تفکر تاکنون چه فرصت‌هایی را به تهدید تبدیل کرده و چه تهدیدهایی را نه تنها تبدیل به فرصت نکرده، که تشدید مضاعف نیز کرده است. مساله‌ی اصلی این است که این مسئولین خدوم علاوه بر ترویج چنین شیوه‌ی تفکری در ناخودآگاه جامعه «به طور عام»، از بد حادثه اکثراً اساتید دانشگاه نیز بوده و «به طور خاص» در دانشجویان نیز چنین تفکری را، به شکل ناخودآگاهی، تزریق می‌کنند. و ما دانشجویان مظلوم و بی ادعا^۴، هم متأثر از جامعه و هم دانشگاه، در ناخودآگاه خود حوادث و پیش‌آمدها را در بدو مواجهه، به دودسته‌ی فرصت‌ها و تهدیدها تقسیم‌بندی می‌کنیم^۵. اکثریت‌مان نیز بر طبق مشی این بزرگان مسئول، تهدیدها را تشدید و فرصت‌ها را به انحطاط می‌کشانیم. اما باید اذعان نمود که قصه‌ی کرونا^۶، داستانی دیگر دارد که همه‌ی معادلات را برهم می‌زند.

شاید بتوان گفت که برای ما، دانشجویان

گاهی تکرار بیش از حد عبارتی، چنان ارزش و اعتبار آن را با مغز بر زمین می‌کوبد که استفاده از آن در جایی به غیر از کاربرد شوخی، نه تنها کلیشه‌ای^۱ و غیر قابل تحمل بوده بلکه مانند کشیدن ناخن بر سطح صیقلی، با اعصاب و روان انسان بازی می‌کند. یکی از این عبارت‌های در جای خود خوب، اما کلیشه‌ای، عبارت «تهدید را به فرصت تبدیل کردن» است. البته استثنائاً در بی‌اعتبار کردن این عبارت، علاوه بر تکرار فراوان، در جهت عکس انجام دادن توصیه‌ی ارزشمند آن، توسط برخی از مسئولین «زحمت‌کش^۲» نیز بی‌تاثیر نبوده است. البته این بندگان خدا بی‌گناه هستند. چرا که این مسئولین اکثراً یا مهندس بوده و یا جمعی از مهندسين گرداگرد آنان را اشغال نموده‌اند. این مهندسان به صورت مبهم از دروس دوران تحصیلشان^۳ به یاد دارند که یک فرآیند ترمودینامیکی که در یک جهت به صورت «خود به خود» پیش می‌رود، به این راحتی‌ها در جهت خلاف آن قابل انجام نیست. متأسفانه این نکته که جهان نیز یک سیستم ترمودینامیکی است، دومین و شاید آخرین نکته‌ایست که از دروس کارشناسی برایشان به یادگار مانده است.

لذا بدیهی است که این مسئولین و همکارانشان به عبارت «تهدید را به فرصت تبدیل کردن» نیز به چشم یک فرآیند ترمودینامیکی می‌نگرند؛ در حالی که هیچ‌کس به اینان نگفته است که

۱- البته برخی از علمای علم کلام، واژه‌ی «خُرّ» را جایگزین مناسب‌تری می‌دانند که احترامشان نزد نویسنده محفوظ است.

۲- استفاد دقیق این واژه در متن حاضر مورد تاکید اساسی نویسنده است. حذف یا «جایگزینی» آن با مفاهیم دیگر، نوشته را از اعتبار ساقط می‌کند.

۳- مراجعه نمایید به کتاب ترمودینامیک «ون‌والین» و یا «سنجل»، از کتب مرجع رشته‌های مهندسی شیمی، مکانیک، هوافضا و برق.

۴- امیدوارم پیاز داغ بی‌تقصیری دانشجویها را بیش از حد زیاد نکرده باشم. «نویسنده»

۵- البته همچنان عبارت «تهدید را به فرصت تبدیل کردن» روی اعصاب ما دانشجویان است.

۶- غصه‌ی کرونا نیز در این‌جا می‌تواند از منظری صحیح باشد.

۷- باید به کسانی که با این تعبیر مخالفت دارند خاطر نشان نمود که اگر هم‌اکنون دانشجو نیستید، شاید زمان شما این طور نبوده ولی الان وضع دانشگاه‌ها «دقیقاً» به شکلی است که اشاره شد. اگر هم که دانشجو هستید، چشم‌چپ نویسنده را متصور شوید، که از حالت باز به حالت بسته تغییر وضعیت داده و مجدداً باز می‌شود؛ همچنین امیدوارم به کاربرد «چشمک» در ارتباطات روزمره واقف باشید.

۸- به جای بلا می‌توانید بخواهید فرصت برای دانشجویان.

۹- به تطابق ضمیر «ها» در کلمه فیها و «ه» تائید دانشگاه وقت بفرمایید.

حال انقراض بودن، وقت خواندن این مقاله را نداشته و سرگرم دستیابی به اهداف عالی خود هستند و لذا هر دانشجویی که این متن را می‌خواند، مفهوم مستتر در کلمه «ما» را در وجود خویش، به صورت کاملاً «شهودی» ادراک خواهد کرد. اما رفع ابهام ضروری در مورد دسته‌ای اول اینکه ابداً منظور نویسنده، آن موجودات دوست داشتنی «درس‌خوان» که با گرفتن نمره‌های متفاوت و البته بالا، باعث می‌شوند استادها نمرات را روی نمودار نبرند، نیست.

در مورد دسته‌ی اول، همه‌چیز برایشان حکم فرصت را داشته و بن بست برایشان معنی ندارد و لذا «فرصت» بودن قصه‌ی کرونا برای ایشان، به طور بدیهی قابل اثبات است. اما در مورد سایر دانشجویان یا همان «ما»، شاید بتوان دو گروه بندی را مطرح نمود. گروه اول که بدون داشتن کارت دانشجویی، نشانه‌ی هویتی چندانی برای اثبات «دانش» «جو» بودن خود نداشته و گروه دوم که اولویت‌شان کسب دانش و تبدیل شدن به فردی مفید و مؤثر است ولی اراده‌ی استوار و هدف‌های مشخص دسته‌ی اول^۲ را ندارند.

گروه اول که دغدغه‌ی علمی چندانی نداشته و پاس‌کردن مفهوم مقدس‌تری برایشان دارد، حقیقتاً هیچ‌گاه در طول دوران زندگی دانشجویی خود، ایامی اینچنین را نخواهند دید. ایامی که می‌توان به هرکاری به غیر از مطالعه‌ی دروس دانشگاه مشغول شد و نه تنها مورد بازخواست قرار نگرفت، بلکه فقط به خاطر حفظ سلامتی خود، مورد تحسین نیز واقع شد. با توجه به شناخت والدین از روحیات این نوع دانشجویان و بند نبودن آنان در خانه، در این دوره همه‌ی امکانات رفاهی از طرف والدین در منزل برای این بزرگواران فراهم است تا در خانه بمانند^۳. همچنین علاوه بر بسیج امکانات رسانه‌ای

کشور برای پرکردن اوقات فراغت این عزیزان، حتی خبر رسیده که در این دوران تبلور کمک به هم‌نوع، برخی از شبکه‌ها و سایت‌های پرطرفدار (بخوانید خاک‌برسری!) در جهان نیز امکانات ویژه‌ای به ساکنین مناطق شیوع کرونا ارائه می‌دهند تا در خانه بمانند؛ که این امر بسیار جای تقدیر دارد. لذا در کوک بودن کیف این طیف از دانشجویان تردیدی جایز نیست.

گروه دوم نیز یکی از بهترین فرصت‌های زندگی خود را پیدا کرده‌اند. این گروه که اکثریت «ما» را تشکیل می‌دهند، شاید از لحاظ بهره‌هوشی، میزان تلاش و پشتکار بسیار مطلوب باشند، اما به خاطر نداشتن هدف‌هایی صریح و مشخص و یا انتخاب‌های اشتباه در زندگی، علی‌رغم قابلیت‌های بالایشان از حداکثر توانایی‌های خود نمی‌توانند استفاده کنند. شاید پیدا شدن چنین دوره‌ای در قلب دوران جوانی‌شان، که بدون جواب‌گویی به هیچ‌کس و هیچ‌جا و دور از فضای دانشگاه و خوابگاه، بتوانند به راهی که آمده‌اند، درستی و غلط‌های آن و آن‌چه از زندگی می‌خواهند، ببانندیشند، چیزی کمتر از معجزه نباشد. چه بسیار دانشجویانی داریم که عوامل مختلفی آن‌ها را به رشته‌ها و مسیرهایی کشانده که علاقه‌شان در آن نیست، یا حداقل در ذهنشان با این گمان کلنجار می‌روند. چه بسیار دانشجویان علاقه‌مند به علوم انسانی و هنر که جبر جامعه‌ی مهندس و پزشک سالار ما آن‌ها را از علاقه‌شان دور کرده، چه بسیار علاقه‌مندان به فیزیک و ریاضی که در رشته‌های پزشکی درس می‌خوانند و چه بسیارهایی دیگر.

این دانشجویان می‌توانند در این ایام کرونا‌یی و به دور از هیاهوی درس و حضور در دانشگاه، حداقل بخشی از وقت خود را

بر روی علایق خود بگذارند تا مطمئن شوند که آیا این علایق، ریشه‌ای در توانایی‌هایشان دارد یا صرفاً علاقه‌ی ناپخته‌ای بیش نیست. دانشجوی پزشکی‌ای که گمان می‌کند می‌توانست برنامه نویسی قابل‌ی باشد، یا مهندسی که می‌پندارد نویسنده‌ی موفقی می‌شد، اگر می‌توانست فرصتی برای آموختن این مهارت پیدا کند، در این برهه‌ی زمانی، فرصتی طلایی برای پرداختن به این علایق پیدا کرده است. لذا در صورت انجام این کارها، پس از اتمام این دوره‌ی توقیف اجباری در منزل، این فرد حسابش با خودش، علایقش و چیزی که از زندگی می‌خواهد و برایش ساخته شده‌است، مشخص‌تر خواهد بود و می‌تواند با نگاهی درست‌تر در مورد زندگی آینده‌ی خویش تصمیم‌گیری کرده و هدف‌گذاری نماید. تا شاید بعد از دوران کرونا به دسته‌ی دانشجویان در حال انقراض^۴ پیوسته و آنان را از خطر نابودی کامل نجات دهد.

در پایان می‌توان گفت که فرقی نمی‌کند که متعلق به چه طیف و گروهی از دانشجویان باشیم، کرونا و ایامی که در آن به سر می‌بریم فرصتی است بدون تهدید، تا به علایق و آن‌چه از زندگی برایمان اهمیت دارد، بپردازیم.

۱- بخش قابل توجهی از علمای علم کلام ترجیح می‌دهند به جای واژه‌ی «درس»، از نام یکی از حیوانات خوب، اهلی و زحمت‌کش استفاده نمایند؛ که از منظر نویسنده نیز قابل تقدیر است.

۲- همان دسته‌ی در حال انقراض.

۳- که البته عمدتاً تلاشی است مذبحانه.

۴- دانشجویان دسته‌ی اول.

نسخه مجله‌ای تازه تاسیس بوده و برای پیشرفت شدیداً نیازمند همکاری شما و انتقادات و پیشنهادات شما است.

از تمامی خوانندگان محترم، در خواست می‌کنم، تا با انتقادات و پیشنهادات خود، ما را در انتشار و آماده‌سازی هرچه بهتر و قوی‌تر این گاهنامه یاری کنند؛ باشد که مفید واقع شده باشد.

ش.م: ۳۷۲۳/۱۲۰/۹۷